تافته جدابافته برخی وزارتخانه‌ها

پرداخت‌های نجومی دور از چشم ارگان‌های نظارتی همچنان ادامه دارد

پرداخت‌های کلان ظالمانه به عده‌ای از کارکنان دولت اعم از مدیران و برخی کارمندان حقیقت تلخی است که به هیچ‌وجه قابل کتمان و توجیه نمی‌باشد. این پدیده شوم سال‌هاست که در سازمان‌ها و شرکت‌های دولتی رخنه کرده و همچون زالو بر بیت‌المال چنگ انداخته است. سال‌هاست که کارکنان دولت بخصوص قشر مستضعف کارگر که با مشقت و در شرایطی طاقت‌فرسا با حقوقی بسیار اندک زندگی می‌کنند نسبت به وجود تبعیض و نابرابری در حقوق دریافتی خود معترض می‌باشند اما متاسفانه اختاپوس لانه کرده در برخی از وزارتخانه‌ها و سازمان‌های دولتی مانع از آن است که فریاد این خیل تلاشگر که سرمایه اصلی کشور و انقلابند به جایی و یا به گوش شنوایی برسد تا برای این حقیقت تلخ و تفاوت نجومی حقوق و دستمزد که خود تبلور عینی بی‌عدالتی است چاره‌ای اندیشیده شود.

وقتی که تعیین حقوق و دستمزد و فوق‌العاده‌های شغل و همچنین پاداش سنوات خدمت بازنشستگی مدیران و کارکنان برخی وزارتخانه‌های نورچشمی و شرکت‌های دولتی به خود آنها واگذار می‌شود مسلما پرداخت حقوق‌های نامتعارف و نجومی بادآورده بدیهی‌ترین نتیجه آن خواهد بود علی‌الخصوص که برخی از مسئولین و کارکنان دولت برای حفظ منافع نامشروع خویش برخلاف شرع و عرف و قانون به بهانه‌های واهی و غلط این باور را در زیرمجموعه خود ترویج می‌نمایند که اگر دستگاه یا وزارتخانه‌ای بر اساس وظیفه سازمانی مسئولیت صیانت و استخراج یک یا چند سرمایه طبیعی و ملی ملت را به عنوان امانت بعهده داشته باشد کارکنان آن دستگاه یا وزارتخانه باید سهم ویژه‌ای از بیت‌المال دریافت کنند و از وضع معیشتی و درآمدی بهتر و بیشتری برخوردار باشند و کارکنان سایر سازمان‌ها و وزارتخانه‌ها نباید معیشتشان مانند آنها باشد حتی اگر خدمتی حیاتی و وظیفه‌ای سنگین‌تر بعهده داشته باشند.

وقتی که در یک آزمون استخدامی برای استخدام چند نفر کارمند بیش از ۱۵۰ هزار نفر جوان تحصیل‌کرده بااستعداد و جویای کار شرکت می‌کنند و حاضرند در اقصا نقاط مملکت از جمله محروم‌ترین و دورافتاده‌ترین شهرها و قصبات کشور خدمت نمایند، چه بهانه و کمبودی برای جذب و نگهداری نیروی انسانی مورد نیاز وجود دارد تا از قبل آن با تصویب قوانین خاص پرداخت‌های نامتعارف نجومی و متفاوت با دیگران صورت گیرد؟

البته ناگفته نماند وجود اختلاف منطقی و معمولی بین دریافتی کارکنان دولت بر اساس تحصیلات و سابقه خدمت امری طبیعی و لازم است و خود موجب پیشرفت و ایجاد انگیزه بیشتر خواهد شد اما متاسفانه در شرایط کنونی مشاهده می‌شود که در برخی از وزارتخانه‌ها دریافتی ماهیانه یک نفر کارمند با تحصیلات دیپلم و حتی زیر دیپلم در یک شغل ساده معادل دریافتی چند ماه یک کارمند با تحصیلات کارشناسی در یک شغل تخصصی در وزارتخانه‌های دیگر است.

نمونه روشن این موضوع وزارت نفت است که میزان حقوق و مزایا و تعیین فوق‌العاده‌های شغلی کارکنانش به خود آن وزارتخانه واگذار شده و توسط هیئت مدیره شرکت ملی نفت ایران و وزیر نفت مشخص و اعلام می‌شود. برای مثال دو مورد از صدها مورد تبعیض‌آمیز و ناعادلانه که در نحوه محاسبه و پرداخت حقوق‌های کلان و نجومی این وزارتخانه با سایر وزارتخانه‌ها وجود دارد را به شرح ذیل به اطلاع می‌رساند:

۱- پاداش سنوات خدمت بازنشستگی

در اواخر سال ۱۳۹۲با پیگیری مدیریت نیروی انسانی وزارت نفت (مشخصا واحد تدوین روش‌ها و مقررات پرسنلی که مسئولین آن خود در شرف بازنشستگی بودند) چند طرح به تصویب هیئت مدیره شرکت ملی نفت ایران رسید و برای اجرا ابلاغ شد از جمله مصوبه فوق‌العاده تخصصی شغل (که قاعدتا باید به شاغلین خاصی و به تعداد محدودی تعلق بگیرد) بود که به همه کارکنان وزارت نفت اعم از ستادی مرکزنشین تا عملیاتی روی سکوهای دریایی تسری داده شد و از اسفند ماه سال ۱۳۹۲ بر اساس این فوق‌العاده و سایر فوق‌العاده‌های تصویب شده در همان زمان حقوق و مزایای کارکنان وزارت نفت و پاداش سنوات خدمت بازنشستگی آنان به‌صورت غیرمنتظره‌ای افزایش پیدا کرد. به طوری که پاداش سنوات خدمت بازنشستگی شاغلین سمت‌های سازمانی A، B، C و D شامل سرپرستان، روسا و مدیران از مبلغ ۱۰۰ الی ۱۱۰ میلیون تومان (حدود ۴ برابر حداقل دریافتی طبق روش مرسوم شرکت ملی نفت) یکباره به صورت جهشی به بیش از ۵/۵۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال افزایش یافت (بیش از ۲۰ برابر حداقل دریافتی) و برای اینکه کار از کار گذشته باشد و برگشتی صورت نگیرد علی‌رغم مشکلات و تنگناهای شدید مالی دولت و وزارت نفت، به سرعت و به صورت یکجا پرداخت گردید و جالب است که این مبلغ هر سال نیز بیشتر و بیشتر می‌شود و در حال حاضر واقعا به یک مبلغ نجومی بسیار غیرمتعارف تبدیل شده و همچنان بدون رعایت هیچ سقف و مرزی پرداخت می‌شود.

برای مثال دو نفر از شاغلین سمت D (یکی در شرکت ملی مناطق نفت‌خیز جنوب و دیگری در شرکت ملی نفت ایران- تهران) که اخیرا بازنشسته شده‌اند هر کدام بالغ بر ۹/۴۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال پاداش سنوات خدمت دریافت نموده‌اند. (بیش از ۳۱ برابر حداقل دریافتی و بیش از ۸ برابر هم‌ردیفان خود در سال ۱۳۹۱).

*** در شرایط کنونی مشاهده می‌شود که در برخی از وزارتخانه‌ها دریافتی ماهیانه یک نفر کارمند با تحصیلات دیپلم و حتی زیر دیپلم در یک شغل ساده معادل دریافتی چند ماه یک کارمند با تحصیلات کارشناسی در یک شغل تخصصی در وزارتخانه‌های دیگر است.**

این پاداش‌های کلان که به بازنشستگان وزارت نفت داده می‌شود بر هیچ منطق و معیاری منطبق نیست و وقتی با پاداش سنوات خدمت یک نفر مستخدم دولت در سایر وزارتخانه‌ها و یا یک نفر معلم با مدرک تحصیلی فوق لیسانس که پس از سی سال خدمت کمتر از ۷۰ الی ۸۰ میلیون تومان دریافت می‌نماید که آن هم به علت مشکلات مالی دولت به صورت تقسیط در چند قسط و طی مدت طولانی بعضا بیش از یک سال به او پرداخت می‌شود، مقایسه می‌شود نه تنها قابل قیاس نیست بلکه حالت مشمئزکننده‌ای از تبعیض، بی‌عدالتی، رفتار فراقانونی و توهین به کرامت انسانی در شخص ایجاد می‌نماید. متاسفانه این موضوع در قضیه بررسی فیش‌های حقوقی و پرداخت‌های نجومی اخیر نیز مورد غفلت قرار گرفته و ذکری از آن به میان نیامده است.

۲- پرداخت بابت اضافه کاری

یکی دیگر از موارد قرون وسطایی و تبعیض‌آمیز، نحوه محاسبه مزد یک ساعت اضافه کاری است.

الف- در وزارت نفت: بدون هیچ محدودیتی حتی اگر مبلغ اضافه کاری چند برابر حقوق پایه باشد. مضافا اینکه برخلاف ادعای وزیر نفت در خصوص مازاد بودن ۵۰ درصد کارکنان آن وزارتخانه، تمام کارکنان وزارت نفت هر ماهه به صورت مستمر اضافه کاری دارند و مبلغ متنابهی دریافت می‌نمایند.

ب- در سایر وزارتخانه‌ها: مبلغ اضافه کاری ماهیانه نباید از ۵۰ درصد حقوق پایه بیشتر باشد. ضمن اینکه مجوز اضافه کاری به درصدی از کارکنان داده می‌شود.

آنچه مشخص است مبلغ اضافه‌کاری کارکنان وزارت نفت بیش از ۳ برابر مبلغ اضافه‌کاری سایر کارکنان دولت می‌باشد در حالی که به جز در موارد خاص و اندک که آنها هم فوق‌العاده‌های خاص خود را دریافت می‌کنند در اکثر قریب به اتفاق ادارات و سازمان‌های وزارت نفت مثل امور اداری، حسابداری، تامین کالا، خدمات عمومی، مهندسی و... هیچ تفاوت شغلی بین کارکنان نفت و سایر کارکنان دولت چه در تهران و چه در دورافتاده‌ترین شهرهای کشور وجود ندارد. قابل ذکر است که عوامل تشکیل‌دهنده حقوق پایه نیز در وزارت نفت یا سایر وزارتخانه‌ها بسیار متفاوت است تا جایی که حقوق پایه شاغلین پیش گفته به تنهایی چند برابر کل حقوق و مزایای مستمر و غیرمستمر شاغلین سایر وزارتخانه‌ها است. با مراجعه و بررسی سیستم مکانیزه حقوق و دستمزد وزارت نفت و همچنین سیستم پرداخت پاداش سنوات خدمت بازنشستگی آن وزارتخانه موارد ذکر شده فوق به راحتی قابل دسترسی، استخراج و مقایسه می‌باشند.

سخنی با رئیس‌جمهور

برادر عزیز جناب آقای دکتر روحانی، مگر در نظام مقدس جمهوری اسلامی عدالت اجتماعی و رعایت عدل و انصاف در بهره‌مندی از امکانات عمومی و استفاده از بیت‌المال از اصول اصلی و اساسی نظام به شمار نمی‌رود؟ چه دلیل و برهانی برای این زیاده‌خواهی و زیاده‌خوری‌ها و همچنین برتری شغلی و رجحان سازمان خودخوانده بعضی وزارتخانه‌ها نسبت به دیگران وجود دارد؟ چرا باید یک قشر از جامعه تافته جدابافته باشند و هر قدر و هر طور که دلشان خواست از خزانه ملت برداشت کنند در حالی که میلیون‌ها ایرانی دیگر قادر به امرار معاش خود نیستند و صدها هزار کارگر و کارمند دولت برای گذران زندگی خود به انواع وام‌ها و یارانه‌ها متوسل می‌شوند و برای اینکه شرمنده خانواده خود نباشند (که عموما هم هستند) روی خود را با سیلی سرخ نگهدارند؟ چه کسی و یا چه ارگانی باید با زیاده‌خواهی و ویژه‌خواری برخی مدیران و کارکنان دولت که ناشی از قوانین استعماری بجا مانده از دوران حاکمیت اجنبی بر صنعت نفت پیش از انقلاب اسلامی است برخورد نماید و دست آنان را از بودجه عمومی و ملی ملت کوتاه کند؟ آیا تناقضات و تبعیض‌های ذکر شده و موارد مشابه که به وفور در سازمان‌های دولتی مشاهده می‌شود با خط و مش و شعار دولت تدبیر و امید در تضاد نمی‌باشد؟ اگر هست چرا اقدام قاطعی صورت نمی‌گیرد؟ آقای رئیس‌جمهور محترم، روسای محترم قوه مقننه و قضائیه، نمایندگان محترم مجلس، معاون اول محترم رئیس‌جمهور، وزرای محترم دولت خدمتگذار، همه در پیشگاه خداوند در مورد دینار به دینار خزانه امت اسلامی مسئولید.

همه در برابر خون شهیدان وظیفه دارید از بیت‌المال مسلمین حراست نمایید. صراحت رهبر معظم انقلاب در پیگیری موضوع فیش‌های حقوقی نشان از آن دارد که مسئولان باید مجدانه با این پدیده شوم برخورد نموده و غاصبان بیت‌المال را از هر قشر و گروه به مجازات برسانند. معظم‌له در این رابطه می‌فرمایند «این حقوق‌ها برداشت‌های غیرمنصفانه و ظالمانه از بیت‌المال است.

دریافت‌های نامشروع باید برگردانده بشود و اگر کسانی بی‌قانونی کرده‌اند مجازات شوند». پس بیایید خارج از مباحث جناحی و به دور از کشمکش‌ها و چالش‌های مخرب سیاسی یک بار و برای همیشه دست زیاده‌خواران سیری‌ناپذیر را از جیب ملت کوتاه نموده و با وضع قوانین لازم ریشه تبعیض و بی‌عدالتی را از بیخ و بن بخشکانید و وجوه کلان به یغما رفته را به خزانه بیت‌المال امت اسلامی برگردانید.

محمد کریمی - جانباز دفاع مقدس

طب سنتی، افول تا احیا

در دهه‌های اخیر، استفاده از طب سنتی و مکمل در اکثر کشورهای جهان گسترش چشمگیری یافته است. نتایج رضایت‌بخش، در دسترس بودن، کم هزینه بودن و عوامل اجتماعی در استفاده روزافزون از طب سنتی تأثیر به‌سزایی داشته است. با توجه به اینکه طب سنتی ایرانی منشاء یکی از مهم‌ترین مکاتب طبی پزشکی است، انتظار می‌رفت احیا و استفاده از خدمات طب سنتی، رشد فزون تری داشته باشد. اما شواهد نشان‌دهنده توسعه کنترل شده و محدود طب سنتی در کشور است. این نوشتار سعی دارد ضمن بررسی روند تاریخی طب سنتی در تاریخ معاصر، به بررسی برخی از سیاست‌های تکمیلی برای توسعه طب سنتی در کشور بپردازد.

***

طب سنتی در تاریخ معاصر مقاطع پر فراز و نشیبی را سپری کرده است که می‌توان این دوره را به سه مقطع تقسیم کرد که در ادامه مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد.

مقطع اول(افول طب سنتی)

تا قبل از حکومت شاه عباس صفوی، طبابت در کشور منحصر به طب سنتی بود. در عهد شاه عباس صفوی، طب نوین از طریق هیئت‌های مذهبی مسیحی و هیئت تجاری هند شرقی به حوزه سلامت کشور راه یافت. با اعزام گروه‌هایی برای تحصیل طب نوین به خارج از کشور توسط عباس میرزا و تربیت پزشک توسط کلاس طبیِ مدرسه دارالفنون(از دیماه ۱۲۳۰ ه.ش) و بیمارستان‌های هیئت‌های مذهبی، جایگاه طب نوین در حوزه سلامت کشور تقویت شد.

از این‌رو، توسعه و افزایش ارائه خدمات طب نوین در قرن سیزدهم شمسی روند صعودی داشت و گسترش استفاده از خدمات طب نوین توسط دربار و گروه‌های ویژه و تاسیس بیمارستان‌های مدرن در تهران، موجب تغییر طرز فکر مردم به طب نوین شد.

گرچه توسعه خدمات طب نوین در جامعه و ایجاد ساختارهای سازمان یافته طب نوین، برای نظارت بر بهداشت عمومی و کنترل بیماری‌های مسری، موجب بهم خوردن موازنه به نفع طب نوین شد، با این وجود ضعف‌های ذاتی و عارضی موجود در طب سنتی زمینه انحطاط این شیوه طبی را فراهم آورد که در ادامه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

ضعف ذاتیِ طب سنتی: در گذر زمان علوم مختلف با مسائل و چالش‌هایی مواجه می‌شود که جامعه علمی در پاسخگویی به مسائل مطرح شده ناتوان است اگر همزمان با گسترش مسائل حل نشده و ایجاد ابهام درمؤثر بودن الگوی رایج در حل مسائل ذکر شده ، الگویِ جدیدی توسط مراکز علمی ارائه شود که بتواند پاسخ‌های مناسبی در برابر چالش و مسائل یاد شده داشته باشد زمینه برای گسترش الگوی جدید علمی فراهم می‌شود به عبارتی تغییر پارادایم علمی صورت می‌گیرد، همانند تسلط الگوی کوپرنیکی بر هیئت بطلمیوسی در نجوم یا تسلط الگوی فیزیک نوین بر فیزیک کلاسیک در حوزه علم فیزیک. بنابراین تغییر مکاتب علمی در طول تاریخ بشری پدیده‌ای پرتکرار و متداول است و بحث علم طب از این قاعده کلی مستثنی نیست.

ضعف عارضی طب سنتی: عوامل فرعی متعددی برای افول طب سنتی می‌توان برشمرد که در این بخش دو عامل نامشخص بودن محدوده طب سنتی و عوامل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

نامشخص بودن محدوده طب سنتی: عدم تعریف یا تعریف ناقص محدوده طب سنتی بالاخص در قرن سیزدهم ه.ش باعث شد که طب جالینوسی، طب النبی و طب جادویی همگی در محدوده طب سنتی قرار بگیرند و گروه‌های مختلفی از جمله دلاک‌ها، شکسته‌بندها، جادوگران و طبیبان قلابی خدمات طبی ارائه نمایند به عبارتی هر فردی می‌توانست طبیب شده و خدمات طبی ارائه نماید .

نبود نظارت و استانداردهای لازم در بخش‌های آموزش، تربیت نیروی انسانی و ارائه خدمات طبی و ...، زمینه تضعیف و افول طب سنتی در برابر طب نوین که دارای ساختار سازمان یافته و منظم بود را فراهم آورد.

عوامل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی: از منظر اجتماعی شکل‌گیری اندیشه‌های روشنفکرانه مبنی بر ناکارایی طب سنتی و خودباختگی نسبت به طب نوین غربی و از بعد اقتصادی اندیشه‌های منفعت‌طلبانه ناشی از گسیل تجهیزات و داروها و خدمات شرکت‌های بزرگ خارجی و همچنین پزشکانی که با سلامت انسان سوداگری می‌کنند و از منظر سیاسی ارتقاء اطبای طب نوین به مرتبه پزشک مخصوص شاهان قاجار (عمدتا پزشکان انگلیسی، فرانسوی و روس) و پیگیری خواسته‌های قدرت‌های خارجی از طریق تیم‌های پزشکی، زمینه تضعیف طب سنتی و تقویت طب نوین را فراهم کرد.

مقطع دوم(حذف طب سنتی)

با تدوین قانون طبابت توسط مجلس حفظ الصحه و تصویب آن توسط مجلس شورای ملی در سال ۱۲۹۰ه.ش، ضمن ممنوعیت آموزش طب سنتی، مجوز طبابت منحصر به گواهینامه‌های مدارس طب نوین گردید که این امر، بستر حذف طب سنتی از حوزه سلامت را فراهم کرد.

طب سنتی در شرایطی از حوزه سلامت کشور حذف شد که عمده اطبای کشور، اطبای طب سنتی بودند و برخی اطبای دیپلمه بعد از پایان مدرسه دارالفنون نزد پزشکان مشهور طب سنتی آموزش می‌دیدند تا بتوانند مقبولیت عمومی برای طبابت در جامعه را بدست آورند.

تصویب قانون طبابت و اجرای آن، برای حوزه سلامت شرایط بغرنجی را پدید آورد. کمبود پزشکان دیپلمه در شهرهای بزرگ و کمبود شدید آنها در شهرها و ولایات، حوزه سلامت را در بلاتکلیفیِ تامین نیروی انسانی، حکومت را با چالش تامین تقاضای جامعه برای تامین طبیب و اطبای طب سنتی را با معضل ممنوعیت فعالیت مواجه ساخت. عوامل فوق همراه با کاهش شدید فارغ التحصیلان طبیب دیپلمه توسط دارالفنون موجب شد که اجازه نامه طبابتِ طبیبان طب سنتی سه بار در سال‌های ۱۳۰۶، ۱۳۰۸ و ۱۳۱۱ تمدید شود.

مقطع سوم (احیاءِ طب سنتی)

در دهه‌های اخیر، استفاده از خدمات طب سنتی در حوزه سلامت کشور رواج یافته است گرچه عوامل اقتصادی، اجتماعی و شواهد علمی، بر توسعه خدمات طب سنتی تاثیرگذار بوده است با این وجود از قانونی شدن آموزش طب سنتی با تاسیس دانشکده طب سنتی در سال ۱۳۸۶، به عنوان نقطه عطفی در احیای قانونیِ طب سنتی می‌توان یاد کرد زیرا با قانونی شدن آموزش طب سنتی در دانشگاه‌ها، دوران صد ساله ممنوعیت آموزش رسمی طب سنتی به پایان رسید و بستر برای حیات دوباره طب سنتی فراهم گردید .

نکاتی راجع به توسعه طب سنتی

۱-امروزه که شرایط برای تاثیرگذاری طب سنتی در توسعه سلامت کشور فراهم شده است نیاز است با اتخاذ سیاست‌های مؤثر، بستر برای استفاده حداکثری نظام سلامت از طب سنتی فراهم شود.

۲-ورود به سیاستگذاری و برنامه‌ریزی برای توسعه طب سنتی در کشور به مقدماتی نیازمند است که در ادامه به پاره‌ای از این اقدامات اشاره می‌کنیم.

* محدوده و چارچوب طب سنتی بصورت صریح و بدون ابهام تعیین شود تا زمینه برای فعالیت سودجویانه گروه‌های فاقد صلاحیت در ارائه خدمات طب سنتی و نیز، تیم‌هایی که بصورت آگاهانه در پی تخریب جایگاه طب سنتی هستند، فراهم نشود.

قابل ذکر است ابهام در محدوده و چارچوب طب سنتی، زمینه را برای اعمال استانداردهای دوگانه در مواجهه با نهادهای طب سنتی فراهم می‌کند. برای مثال، می‌توان به نظارت بسیار ضعیف وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی بر فعالیت عطاری‌ها اشاره کرد که امروزه بصورت قارچ گونه در کشور رشد می‌کنند و نقص در نظارت بر آنها موجب آسیب به سلامت جامعه و جایگاه طب سنتی می‌شود. در مقابل، باید به برخورد با مؤسسات طب سنتی و لغو مجوز آنها، با وجود پیشینه و عملکرد موفق در ارائه خدمات طب سنتی، اشاره کرد.

* هستی شناسی و روش‌شناسی طب سنتی با طب نوین، فی‌الجمله متمایز است. بنابراین، اعمال استانداردهای طب نوین برای ارزیابی و نظارت بر طب سنتی دقیق نیست. پس، تدوین و اعمال استانداردهای متناسب با طب سنتی در اولویت قرار دارد.

* طب سنتی ایرانی همانند طب نوین، دارای اجزاء و ابعاد پارادایمی خاص خود است. بنابراین تقلیل جایگاه طب سنتی به منزله مکمل طب نوین، نادرست است. زیرا طب سنتی و طب نوین موجودیت مستقلی دارند و هر یک از زاویه خاص خود به سلامت می‌نگرند. بنابراین هیچ کدام نمی‌توانند جایگزین یا مکمل همدیگر شوند.

دسترسی بالا به خدمات طب سنتی و کم هزینه بودن آن موجب گسترش روزافزون طب سنتی در جهانِ کنونی شده است. با این وجود، اعمال سیاست‌های وزارت بهداشت دال بر تربیت نیروی انسانی طب سنتی به‌صورت محدود و با مدرک تحصیلی دکتری تخصصی، موجب شده است مزیت‌های گسترش طب سنتی خدشه‌دار شود زیرا تعرفه خدمات متخصصان طب سنتی، گران و تعداد نیروی انسانی تربیت شده، کم است. در حالی که انتظار می‌رود خدمات طب سنّتی، ارزان و در دسترس همگان باشد.

بنابراین، لازم است وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی به منزله متولی نظام سلامت کشور نسبت به تربیت نیروی انسانی طب سنتی، متناسب با نیاز جامعه اقدام کند.

بدین ترتیب، پیشنهاد می‌شود ضمن توسعه کمی دانشکده‌های طب سنتی، نیروی انسانی با مدارک متنوع در سطوح گوناگون از قبیل کاردان، کارشناس، کارشناس ارشد و دکتری تخصصی در رشته طب سنتی تربیت شود تا به تقاضاهای متنوع جامعه (در مناطق محروم و نواحی توسعه‌یافته) پاسخ مناسب داده شود.

ذکر این نکته مهم است که طب سنتی دارای منابع غنی برای تأمین منابع درسی رشته‌های فوق الذکر به منزله رشته‌های مستقل است.

احمد فرقانی

توریسم درمانی، صنعتی زخم‌خورده از بی‌توجهی

وجود دانش و مهارت‌های درمانی لازم اصل و اساس صنعت توریسم درمانی است. این مهم در کشور سال‌هاست که از سوی دانشمندان ما به انجام رسیده و گام‌های بعدی آن بسترسازی و زیرساخت‌هایی هم چون ایجاد مراکز درمانی پیشرفته و تجهیز آنهاست که باید برداشته شود.

بی‌اطلاعی بیماران «مداواطلب» جهان از سطح پیشرفته برخی درمان‌های کشور، ناشی از کم‌توجهی رسانه‌ها به ویژه رسانه ملی به صنعت دارو و درمان است. لکنت زبان رسانه‌ای در تشریح و توضیح شفاف خدمات درمانی کشور یک آفت بزرگ در ناشناس ماندن خدمات دارویی و پزشکی کشور می‌باشد.

با وجود اینکه توریسم درمانی یکی از کانال‌های ورود ارز به کشور است که هیچ تحریمی نمی‌تواند مانع از سرازیر شدن این ثروت به کشور شود، ولی دهه‌هاست که همه امیدها و ممارست‌ها بر استخراج و فروش نفت متمرکز است.

ما فرآورده‌های دارویی- درمانی خیره‌کننده‌ای تولید کرده‌ایم اما اراده و رویکردی در راستای انعکاس حرفه‌ای این خدمات ارزنده در شکل محصولات نمایشی وجود ندارد.

به محض این که صنعت دارو و درمان در کشورهای غربی خدمت کوچکی عرضه می‌کند، مطرح‌ترین سناریست‌ها و کارگردان‌های فیلم‌های صنعتی پا به میدان گذاشته و آن خدمت را با شیوه‌های بیانی اثرگذار در چندین و چند ورژن به مخاطبین جهانی منعکس می‌کنند. آنها از کاه خود کوه می‌سازند و چشم‌های مردم جهان را خیره کرده و نگاه‌ها را به سوی مراکز درمانی و محصولات خود معطوف می‌دارند و ما بیشتر از این که تحت تاثیر پیشرفت‌های واقعی غرب باشیم از رسانه‌های تبلیغاتی و قدرتمند آنها تاثیر پذیرفته‌ایم.

به طور مثال در حوزه سلول‌های بنیادی وقتی در کشور ایران دخترکی مبتلا به سرطان خون و محتضر، با شیوه درمانی فوق پیشرفته، مداوا می‌شود حتی خبرهای نوشتاری این واقعه عظیم درمانی به شکلی ضعیف و مبهم و با برد کم انجام می‌پذیرد. چرا این رویدادهای بزرگ درمانی و این تلاش‌های بی‌سابقه چشمگیر به صورت فیلم، انیمیشن و مالتی مدیا با دوبله‌های مختلف در خروجی خبرگزاری‌ها و رسانه‌ها قرار نمی‌گیرد تا توریسم درمانی و گردشگری پزشکی رونق یابد و درآمدهای تازه، چشم مسئولین را به فرصت‌های جدید باز کند. عدم اهتمام در این زمینه بسیار مهم موجب وارد آمدن خسارت‌های سنگین به صنایع مختلف می‌شود.

چاه‌های نفت کشور سیاه چاله‌هایی است که تمام هوش و حواس مسئولین را بلعیده و جایی برای ایجاد درآمدهای تازه و فرصت‌های جدید باقی نمی‌گذارد.

دکتر سید روح اله حسینی
مدیر عامل هلدینگ دارویی

رانندگی در شرایط برفی و بارانی

تقریباً همه ما تجربه خوبی از رانندگی در روزهای بارانی در ذهن خود داریم به غیر از آن کسانی که این زیبایی و طراوت را با یک بی‌احتیاطی کوچک به خاطره‌ای تلخ تبدیل کرده باشند.

رانندگی در شرایط نامساعد جوی (باران، برف، تگرگ، برف و باد)، اصول و فرهنگ خاص خود را دارد که در صورت عمل به آن، علاوه بر حفظ ایمنی برای خود و سرنشینان، از بروز خطر برای خودروهای دیگر نیز جلوگیری می‌کنیم. رعایت نکات زیر به هنگام رانندگی در روزهای بارانی و برفی به افزایش ایمنی در رانندگی می‌انجامد:

نکات پیش از سفر

۱- رانندگان قبل از سفر باید نسبت به سرویس خودروی خود از قبیل بازدید تیغه‌های برف‌پاک‌کن، چشمی شیشه‌شوی، مایع شیشه‌شوی، وضعیت ظاهری شیشه جلو و شیشه‌های جانبی، آینه‌های جانبی، چراغ‌های جلو و عقب، سالم بودن لاستیک، بررسی سیستم فرمان، ترمز، کنترل عملکرد تهویه مطبوع و بخارگیر شیشه‌ها اقدام کنند.

۲-از سالم بودن برف پاک‌کن‌های جلو و عقب مطمئن باشید و بسته به شدت باران، سرعت برف پاک‌کن را تنظیم کنید.

۳- توجه به ضخامت عاج لاستیک یکی دیگر از مواردی است که باید رعایت کنید. برای ترددهای برون‌شهری عاج لاستیک شما باید حداقل سه میلی‌متر باشد.

۴- نشت روغن، بنزین، آب و مایعات دیگر را به دقت مورد بازدید قرار دهید.

۵- لباس‌های گرم و ضد آب، دستکش ضد آب، کلاه، کیسه‌های گرمایشی، (برای شرایط اضطراری) کفش ساق بلند و ضد آب، جوراب پشمی در خودرو داشته باشید.

۸- همیشه به خاطر بسپارید که بیش از مدت زمان سفرتان وسایلی مثل پوشاک و مواد غذایی و آشامیدنی به همراه داشته باشید.

هنگام سفر

۱- مهم‌ترین تفاوت رانندگی در هوای بارانی کم شدن ضریب اصطکاک لاستیک با سطح جاده و همچنین کاهش دید راننده است.

۲- در هنگام سر خوردن خودرو بهترین راهکار ابتدا حفظ خونسردی و سپس محکم گرفتن فرمان است.

۳- از گاز دادن و ترمز شدید خودداری کنید و با ترمز گرفتن آرام و همچنین دنده معکوس سرعت را کم کنید.

۴- در صورت مواجه شدن با سیل تا حد امکان از عبور از آن خودداری کنید. اگر مجبور به عبور از آن شدید ابتدا از عمق آب مطمئن شوید سپس خودرو را به سمت قوس جاده یا کنار بلوار در مسیر خلاف شیب جاده هدایت کنید.

۵- آرام و با احتیاط رانندگی کنید، به خصوص سر پیچ‌ها.

۶- فاصله مطمئنه را با ماشین جلویی حفظ کنید.

۷- هنگامی که لازم است توقف کنید یا سرعت‌تان را کم کنید، به آرامی و ملایمت ترمز کنید هرگز یکباره پایتان را روی ترمز نزنید.

۸-در مواجهه با آبگرفتگی معابر از تغییر مسیر ناگهانی بپرهیزید.

۹- در همان مسیری که ماشین‌های جلویی‌تان حرکت می‌کنند، رانندگی کنید.

۱۰- هرگز برای پاک کردن شیشه‌های پوشیده از برف به وسیله آب گرم مبادرت نکنید. این کار باعث وارد آمدن شوکی شدید به شیشه شده و آن را خواهد شکست. برای پاک کردن شیشه اتومبیل از دستمال و یا برس استفاده نمایید. همچنین می‌توانید از محلول شیشه شوی ضد یخ استفاده کنید تا در هنگام حرکت، تیغه برف پاک‌کن شما یخ نزند و شما را دچار مشکل نسازد.

۱۱- قبل از ورود به مناطق برفی اقدام به نصب زنجیر چرخ نمایید زیرا در شرایط برفی این کار به سختی انجام می‌گیرد.

۱۲- مراعات عابران پیاده را بکنید. خیابان پر از چاله‌های کوچک و بزرگ است که هنگام باران پر از آب می‌شوند. شرط انصاف این است که از چاله‌ها با احتیاط عبور کنید تا آب گل‌آلود به عابران نپاشد.

نکات مهم

۱- هنگام بارندگی، حداکثر سرعت‌های مجاز تعیین شده برای معابر مختلف کاهش می‌یابد و شما باید با سرعت کمتری رانندگی کنید. این احتیاط در سرعت، برای وقتی که تازه باران شروع شده هم صادق است. یعنی وقتی که تازه زمین تر شده، اصطکاک کاهش می‌یابد. به خصوص در اوایل بارندگی، به علت مخلوط شدن آلودگی‌های سطحی مانند روغن ماشین و گرد و خاک که به طور معمول روی سطح همه خیابان‌ها و جاده‌ها هست، حتی خطر جدی‌تر نیز می‌شود.

۲- اگر هنگام بارش باران مجبور به گرفتن ترمز شدیدی شدید، چند بار به طور پیاپی پا را روی ترمز فشار دهید. با این کار از لیز خوردن ماشین جلوگیری خواهید کرد. البته رانندگان ماشین‌هایی که به ترمز ABS مجهزند، خیالشان از این بابت راحت‌تر است زیرا این ترمزها برای لیز نخوردن در چنین شرایطی طراحی شده‌اند.

۳- شاید این سؤال پیش بیاید که هنگام سر خوردن، چگونه خودرو را متوقف کنیم؟ بهترین کار، این است که اعتماد به نفس داشته و به خود مسلط باشید. از ترمز کردن بپرهیزید زیرا ضربه زدن به ترمز در روی سطح لغزنده چرخ‌ها را قفل می‌کند و باعث لغزش و سرخوردن بیشتر می‌شود. باید در جهتی حرکت کنید که قسمت عقب خودرو سر می‌خورد (فرمان را به همان طرف بچرخانید) و هر زمان خودرو به حالت مستقیم درآمد در جهت دلخواه خود حرکت کنید. خیلی آهسته روی ترمز فشار دهید تا از سرعت خودرو کاسته شود یا آرام روی گاز فشار دهید تا خودرو به حرکت خود ادامه دهد.

۴- از سبقت گرفتن بپرهیزید. چرخاندن فرمان به مقدار زیاد، ضربه‌ای به عقب خودرو می‌زند که موجب سر خوردن آن می‌شود و خودرو در جهت عکس حرکت برمی‌گردد. در عین حال، خودرو را در دنده نگه دارید و از خلاص کردن آن بپرهیزید، زیرا در این حالت به کم شدن سرعت کمک می‌کند و حداکثر کنترل را به راننده می‌دهد.

۵- از برداشتن پای خود از روی گاز به طور ناگهانی خودداری کنید و پدال گاز را به طور متعادل نگه دارید تا از سر خوردن خودرو در این وضعیت جلوگیری کنید. هنگامی هم که خودرو «بکسوات» کرد از گاز دادن‌های بی‌مورد و چرخاندن سریع چرخ‌ها خودداری کنید زیرا این عمل علاوه بر این که نتیجه مثبتی ندارد، خودرو را نیز عمیق‌تر و کامل‌تر در گل و لای فرو می‌برد.

سرهنگ عین‌اله جهانی
معاون اجتماعی پلیس راهور ناجا

نامه وارده

خلف وعده آشکار در سومین آزمون استخدامی دستگاه‌های اجرایی کشور

مسئولان از حق جوانان جویای کار در مناطق محروم دفاع کنند

سومین آزمون استخدامی دستگاه‌های اجرایی در روز ۲۱ آبان ماه امسال برگزار شد و اینجانب با مدرک کارشناسی ارشد در این آزمون شرکت کردم. در اطلاعیه‌های اولیه آزمون که متولی برگزاری آن سازمان سنجش بود بیان شده است که داوطلبان پس از کسب حد نصاب تعیین شده به مرحله دوم برای مصاحبه و مراحل بعدی دعوت می‌شوند. در حالی که حد نصاب نمره در رشته اینجانب ۲۳ بود، بنده با شرکت در آزمون و کسب میانگین نمره عمومی و اختصاصی۴۳ به مرحله بعد راه نیافتم و با ۲۰ نمره بالاتر از حد نصاب تعیین شده توسط خود سازمان سنجش رد شدم. این در حالی است که افرادی با نمرات بسیار پایین‌تر از میانگین بنده به مرحله دوم برای مصاحبه راه یافته‌اند (البته نمره حد نصاب را کسب نموده‌اند). این وضعیت نه فقط برای بنده بلکه برای اکثر شرکت کنندگان در آزمون در سراسر کشور و تمامی استان‌ها اتفاق افتاده است. بطور مثال استان کهکیلویه و بویر احمد دارای همین وضعیت بود که به پیگیری مسئولان استان، سازمان سنجش را مجبور به پذیرش افرادی نمود که حد نصاب را کسب کرده بودند ولی به مرحله دوم دعوت نشده بودند. ضمناً سازمان سنجش هنگام اعلام نتایج اعلام کرده بود که هر کسی اعتراض دارد می‌تواند اعتراض خود را اعلام نماید ولی بنده چندین بار در دفعات مختلف به سایت مذکور مراجعه کردم اما هیچ جایی برای اعتراض به نتایج سومین آزمون دستگاه‌های اجرایی کشور در نظر گرفته نشده بود. در پایان اعلام می‌دارم اگر این نامه اعتراضی من به دست مسئولانی می‌رسد که به اندازه سر سوزنی به خداوند متعال و دنیای آخرت اعتقاد دارند پیگیری نمایند و حق ضایع شده ما را برگردانند مخصوصاً امثال بنده که در استان محروم ایلام هیچگونه استخدامی نداریم و شرایط سنی ما در حال افزایش است. مسئولانی هم که در این دنیا حاضر به جوابگویی نباشند مطمئن باشند در پیشگاه خداوند قادر در آن دنیا به هیچ وجه از آنها گذشت نمی‌کنم.

یکی از شرکت کنندگان در سومین آزمون استخدامی دستگاه‌های اجرایی کشور